

دیپلماسی مهندسان!

ظاهرا فرمایش‌های خود مرحوم مصدق وظیفه او را محدود به ملی‌کردن نفت می‌کند و در سلطه سیاسی و فرهنگی و اجتماعی انگلیس هم مبالغه شده است. اتفاقا برخی اقدامات غیرضروری که ربطی به ملی‌کردن نفت نداشت، مشکل‌آفرین بود و در جنگ قدرت و نیز ناتوانی او در حل مسئله نفت و بهره‌برداری و فروش موجب سقوط او شد.
دراین‌باره پیام مرحوم مصدق به مناسبت دومین سال صدارت ایشان قابل ذکر است. درباره اشاره‌ای که در این گفت‌وگو به تیم دیپلماسی ایران در لاهه شده، باید گفت نظر مرحوم مصدق و مشاوران حقوقی او و پروفسور رولان، وکیل ایران درست بود و دادگاه لاهه با رأی بر عدم صلاحیت بیشتر افتخاری برای خود آفرید. اما مرحوم قاطعی نقشی در آن نداشت. بلکه مرحوم حسین نواب سفیر (وزیر مختار) ایران در هلند نقش مهمی داشت، به همین دلیل مرحوم مصدق در بازگشت از لاهه که مقارن شد با قیام ۳۰ تیر، مرحوم نواب را وزیر خارجه کرد. مرحوم نواب سه ماه بیشتر در این مقام نماند، زیرا به دلیل اعتقاد به لزوم مذاکره درباره مسئله مهم غرامات با قطع رابطه با انگلستان مخالف بود و ممانعت کرد و ضمناً با لایحه تمدید اختیارات قانون‌گذاری مرحوم مصدق مخالف بود و آن را برخلاف قانون اساسی می‌دانست و استعفا داد و قاطعی جای او را گرفت.مرحوم حسین قاطعی انسانی وطن‌پرست، درسنگار، ضدامپریالیست، پرهیجان و انقلابی بود که تحصیلات خود را در فرانسه به پایان رسانده و به کشور بازگشته بود اما در ۳۲سالگی بدون هیچ‌گونه سابقه دیپلماتیک و اطلاعات و تجربه مؤثر سیاسی، برای وزارت امور خارجه تجربه لازم را نداشت. تندروی صورت‌گرفته موجب شد ملی شدن نفت که مستلزم پرداخت غرامت بود، عملاً تبدیل به نوعی مصداقه و مانع فروش نفت ایران شود.
نسبت‌ندادن نخستین کسی که پیشنهاد ملی‌کردن نفت را داد به او، بیشتر تعارفی برای توجیه ارجاع وزارت امور خارجه بود، وگرنه چهار سال پیش‌تر مرحوم رحیمیان وکیل قوچان طرح ملی‌کردن نفت را تنظیم و مرحوم مصدق به درستی از اعضای آن خودداری کرد، زیرا معتقد بود که در آن شرایط فقر و تنگدستی امکان پرداخت غرامت وجود ندارد.اشاره به «دانش دیپلماسی مصدق» مبالغه‌آمیز به نظر می‌رسد. ایشان البته مستوفی خراسان، والی فارس، وزیر مالیه، وزیر خارجه، والی آذربایجان و چند بار وکیل مجلس بود، اما دانش ایشان حقوقی بود نه سیاسی. در مقام حقوق‌دان خواهان «استیفای کامل حقوق ملت ایران» بود. شرافتمندانه است، اما نیاز به توانمندی دارد تا موجب لطمه به «منافع ملی» نشود. جد بزرگ ایشان، عباس میرزا، وقتی شکست خورد و تن به ترکمنچای داد، شجاعت اعضای آن را داشت تا بتواند برای حفظ منافع ملی اردبیل، خوی، سلماس، تبریز، میانه، زنجان و ترکمنچای را نجات دهد و با گذشت از بخشی از حقوق ملی روس‌ها را به آن سسوی ارس براند تا امروز افسوس ارومیه، مشکین‌شهر، خوی و تبریز را نخوریم. در این گفت‌وگو بیان شده: «البته برخی از صاحب‌نظران باور دارند که اگر دکتر مصدق واقع‌گراتر بود و پیشنهاد تقسیم ۵۰درصدی موردنظر آمریکا درخصوص قراردادهای نفتی را می‌پذیرفت، می‌توانست از ایجاد کودتا جلوگیری کند، اما دکتر مصدق نمی‌خواست ذره‌ای از منافع ملی ایران کوتاه بیاید». متأسفانه نگارنده نیز در شمار همان صاحب‌نظران است و فکر می‌کند مصدق در واقع نمی‌خواست ذره‌ای از «حقوق ملی» کوتاه بیاید و بیشتر به آبروی خود می‌اندیشید وگرنه «منافع ملی» اقتضا می‌کرد که دنبال امر محال نرود.امریک یک سال‌ها پیش نفت خود را ملی کرده و بهره‌برداری را بر مبنای ۵۰-۵۰ به پیمانکاران بین‌المللی سپرده بود. ونزولا هم خواهان ۵۰-۵۰ شده و گرفته بود. آمریکایی‌ها هم با تلاش عبدالله، وزیر نفت عربستان تقسیم ۵۰-۵۰ را پذیرفته بودند و به همین دلیل در مقابل انگلیسی‌ها از ملی‌کردن نفت ایران حمایت می‌کردند. اما مرحوم مصدق پیشنهاد اداره موقت نفت ایران توسط بانک جهانی را هم نپذیرفت، زیرا مهندسان مشاورش می‌گفتند آنها باید اول قانون ملی‌شدن را بپذیرند بعد! آنها هم نمی‌خواستند وارد دعوای ایران و انگلیس بشوند اما در عمل ملی‌کردن را هم پذیرفته بودند، زیرا قرارشان این بود که علی‌الحساب ۳۰ درصد به ایران و ۳۰ درصد به انگلیس بدهند. «نگاه راهبردی مصدق و قاطعی که در وهله اول استقلال سیاسی ایران را به دست آوردن» رنگ شعاری دارد. حفظ استقلال با پذیرش قراردادی در حد رایج بین‌المللی مقدور بود و عدم قبول آن موجب خدشه به آن استقلال شد. ضمناً به نظر نمی‌رسد که «دکتر مصدق شناخت و آگاهی کاملی نسبت به سیاست‌های جهانی داشت»؛ اگر آشنایی لازم را داشت، می‌دانست که نفت ایران غیرقابل جایگزین نیست. به ثرم یـ هنجار رایج بین‌المللی تن می‌داد، وظیفه خود را بدون توجه به جنگ قدرت و کینه پهلوی و قاجار، با به‌پایان‌رساندن رسالت ملی‌کردن نفت و امضای قراردادی بهتر از آنچه دکتر امینی چند ماه بعد با کنسرسیوم امضا کرد، به فرجام می‌رساند و به جای «قهرمان شکست‌خورده و مظلوم»، «قهرمانی برنده و پیروز» برای ایران می‌بود. مذاکرات و دیپلماسی پیش از پیروزی انقلاب مهندسان ما با آمریکایی‌ها در قیل از براندازی نظام پیشین یادآور دیپلماسی و مذاکرات دیپلماتیک سرتیپ گیلاشاه و سرتیپ فرازانگان با سفارت آمریکا پیش از تلاش آنان برای براندازی مصدق است. هر یک از یک دیدگاه؛ در صحت عمل و درستی مذاکرات تیم بازرگان و یزدی با آمریکایی‌ها در الجزیره برای حل‌وفصل مسائل دوجانبه که خود در وزارت خارجه شاهد نزدیک عوایب چند روز بعد آن بودند و در صحت منطق بازرگان که گفت من هویدا نیستم و... ردیدی نیست.

شرق: تغییر در ساختار سیاست ارزی همچنان ادامه دارد، اما این‌بار به سمت کاهش نرخ ارز. بانک مرکزی تصمیم گرفته است بازار متشکل ارزی تشکیل دهد و یک‌بار دیگر بعد از تجربه تک‌نرخ‌کردن ارز در اردیبهشت‌ماه، ارز آزاد را از رژیم ارزی حذف کند و به‌جز نرخ ارز غیردولتی (چهارهزار و ۳۰۰ تومانی) تخصیص‌یافته به واردات کالا‌های اساسی و دارو، یک نرخ هم در بازار متشکل کشف قیمت شود. گشت‌وگذاری در بازار ارز آزاد؛ راسته خیابان فردوسی نشان می‌دهد اجرای این سیاست به‌طور جدی آغاز شده است. دیگر خبری از همهمه و تعداد بی‌شمار دست‌فروشان ارزی نیست، هرکسی هم باقی مانده، جرئت علنی‌کردن خریدوفروش معاملات خود را ندارد. چندنفری از

آنها در گفت‌وگو با «شرق» از ترس و دلهره‌هایشان می‌گویند و اینکه اگر تا ماه‌های پیش مجازات دست‌فروشی ارز جریمه سه‌برابری به ازای هر دلار بود، حالا اتهام امنیتی برای این معامله تعریف شده و جای مجرمان زندان اوین است. رئیس بانک مرکزی در میان صحبت‌هایش در مدت اخیر، همواره بر یک امر تأکید داشته: «برچیدن ارز کوچه‌پس‌کوچه‌ای»، حالا با جدیت و پیگیری بگیروبیندهای ارزی، به نظر می‌رسد کوچه‌پس‌کوچه‌های فردوسی در حال تسویه‌اند؛ سیاستی که بعد از هر جهش ارزی اجرا شده، اما عمر چندانی نداشته است. یکی از کارشناسان بازار رویکرد دولت در سیاست ارزی جدید را در تصویر بزرگ‌تری ارزیابی می‌کند. او معتقد است با رفتن کسانی مانند مسعود نیلی از دولت و آمدن افرادی مانند علی طیب‌نیا، سیاست پولی از محوریت بازار جای خود را به اجرای نظارت حداکثری داده و رمز ورود آن سرکوب است؛ سرکوب نقدینگی، تورم، ارز و...

اتهامان امنیتی‌شد

به گزارش «شرق»، دیروز یک بنر بزرگ جلوی در صرافی ملی در خیابان فردوسی قرار گرفت که روی آن نوشته شده بود: «برخورد جدی با اخلال‌گران نظام ارزی». در قسمت پایین بنر نام سه نهاد درج شده بود: دادستانی، نیروی انتظامی و بانک شرق؛ انتشار مانده بدهی چند بانک بدهکار به بانک مرکزی در روز گذشته مهم‌ترین خبر اقتصادی حوزه بانک و بیمه کشور بود. پس از آنکه وزیر اقتصاد و کارشناسان این وزارتخانه در میان نمایندگان عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس حاضر شدند تا آخرین توضیحات را درباره نحوه اجرای فرایند زنجیره تسویه بدهی‌های دولت به بخش خصوصی و بانک‌ها به بانک مرکزی، به نمایندگان ارائه کنند، فهرست مانده بدهی بانک‌های کشور به بانک مرکزی نیز منتشر شد. فهرستی که نشان می‌داد بانک‌ها به بانک مسکن، صادرات و آینده بزرگ‌ترین بانک‌های بدهکار به بانک مرکزی هستند و چند مؤسسه نیز در فهرست فرایند زنجیره تسویه بدهی جایی ندارند.

زنجیره‌ای برای تسویه‌بدهی‌ها

روز گذشته و در جریان جلسه کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی که با حضور فرهاد دژپسند، وزیر امور اقتصادی و دارایی برگزار شد برنامه‌ها و عملکرد جزء ۱ بند «و» تبصره ۵ قانون بودجه سال جاری بررسی شد و جدول تسویه بدهی چند بانک و مؤسسات اعتباری به بانک مرکزی و مانده بدهی آنها نیز به رسانه‌ها درز کرد. معاونت نظارت مالی و خزانه‌داری کل کشور وزارت امور اقتصادی و دارایی نیز در نامه‌ای به ادارات کل امور اقتصادی و دارایی استان‌های این وزارتخانه اسامی بانک‌های دارای بدهی و فاقد بدهی را منتشر کرد و به این ترتیب یک قدم دیگر در مسیر درپیش‌گرفته‌شده از سوی وزارت اقتصاد و بانک مرکزی برای اصلاح عملکرد بانک‌ها برداشته شد. هفته گذشته عبدالرضا همتی، رئیس بانک مرکزی نیز در گفت‌وگو با صداوسیما اصلاحات نظام بانکی را یکی از اولویت‌های خود دانسته و تأکید کرده بود بانک‌های خوب تشویق و بانک‌های بد تنبیه خواهند شد.

همتی درباره شیوه تنبیه بانک‌های بد نیز گفته بود هنگامی که این تنبیه اعمال شد بانک‌های دیگر متوجه جدیت بانک مرکزی در زمینه اصلاح نظام بانکی خواهند شد. رئیس کل بانک مرکزی در آن مصاحبه بر اتخاذ تدابیری برای کاهش تسهیلات تکلیفی به نظام بانکی و در مقابل استعراض کمتر بانک‌ها از بانک مرکزی تأکید کرده بود و به نظر می‌رسد مسیر در پیش گرفته‌شده برای تسویه بدهی‌های بانک‌ها به بانک مرکزی نیز در ادامه همین تدبیر باشد.

بند و تبصره ۵ قانون بودجه سال جاری به دولت اجازه می‌داد در صورت درخواست متقاضیان مطالبات قطعی اشخاص حقیقی و حقوقی و

اقتصاد

گزارش میدانی «شرق» از نظارت برای حذف نرخ ارز آزاد

تعطیلی پاتوق دلالان ارزی



مرکزی، اما این بنر فقط نبود که هول‌ولارا را در دل دست‌فروشان ارزی انداخت. تا چند ماه قبل هر دلال ارزی که بازداشت می‌شد، برای آزادی باید سه‌برابر میزان ارزی که همراه خود داشت، جریمه پرداخت می‌کرد، اما حالا اتهام «اخلال در نظام ارزی» برای این جرم تعریف شده که مجازات‌های سنگین و با سقف اعدام دارد. یکی از دست‌فروشان ارزی می‌گوید، تا قبل از این بانک مرکزی برای کنترل نرخ ارز آزاد، چه به سمت افزایش و چه به سمت کاهش نرخ، عامل‌هایی را در بازار داشت، اما حالا عامل‌ها در زندان اوین آب‌خنک می‌خورند.

یکی از آنها هراسان است و برای دوستش دارد توضیح می‌دهد که امروز با هزار دردسر قسر در رفته است. جلوتر می‌روم تا سر صحبت را با آنها باز کنم، اما بلافاصله به هم اشاره می‌کنند که خبرنگار است و حرف‌شان را قطع می‌کنند. می‌گویند، دولت بسیار کار خوبی می‌کند، دلالی ارز قاچاق است و نباید انجام شود. می‌گویم شما که شغل‌تان همین است، چطور این حرف را می‌زنید؟ جواب می‌شوم که اینجا پر از لباس‌شخصی است و از کجا معلوم که تو هم فرستاده آنها نباشی. گویا دیروز صبح محدوده مقابل پاساژ افشار در خیابان منوچهری که محل تجمع دست‌فروشان ارزی است، توسط نیروی انتظامی مورد بازرسی جدی قرار گرفته و بعد از بازداشت

به راحتی نمی‌توانند از صرافی‌های خارج از کشور ریال را به ارز تبدیل کنند. همچنین زمرمه حذف سود سپرده‌های جاری به‌طور جدی شنیده می‌شود، بنابراین به نظر می‌رسد این علاقه وجود دارد که منابع میان‌مدت و کوتاه‌مدت در بانک‌ها حبس شوند و گردش پول را به حداقل برسانند. در این صورت سمت تقاضا به‌شدت سرکوب می‌شود.

او اضافه کرد: اکنون در بازار سکه و طلا اگرچه کاهش نرخ وجود داشته، اما این بازار با یک‌چور رکود و عدم باور همراه است. قیمت‌ها تنزولی است، اما کسی حاضر به فروش سکه و طلا در مقادیر بالا نیست. علاوه‌برآن تقریباً هیچ فعالی نیست که در بازار ارز بوده باشد و یک‌بار چوب نیروی انتظامی را نخورده باشد. فعالان بازار ارز از فعالیت بازداشته شده‌اند و نرخ ارز کاهش پیدا کرده است. واقعیت این است که ما در حال تجربه به‌کارگیری یک نوع سیاست انقباضی هستیم که شدت آن تقریباً در تاریخ چهار دهه اخیر بی‌سابقه است.

امینی‌خواه تأکید کرد: اینکه آیا سیاست ارزی جدید در میان‌مدت پاسخ‌گو است، محل سؤال است و درمورد آن شک و تردید وجود دارد. عده‌ای معتقدند در میان‌مدت می‌شود نرخ ارز را در کانال زیر ۱۲ هزار تومان نگه داشت، اما این بدون کاهش سرعت نقدینگی ناممکن است. با تمامی این اوصاف می‌توان پیش‌بینی کرد که نرخ ارز تا دی‌ماه که زمان اوج‌گیری تقاضای ارزی برای واردات کالاست، ما جهش ارزی نخواهیم داشت. همین مدت، مهلتی هم برای دولت است که قدرت سیاست‌گذاری خود را به محک بگذارد، اما باید توجه کنیم که سرکوب نرخ ارز هیچ‌گاه و در هیچ اقتصادی تأثیر همیشگی نداشته و تجربه نشان می‌دهد بعد از مدتی بسان آتشی زیر خاکستر بمب آن منفجر می‌شود. همچنین‌که در چهار سال گذشته با سرکوب نقدینگی، آن هم با وجود افزایش سالانه بالای ۲۰ درصد، نرخ ارز ثابت نگه داشته شده بود، اما اواخر سال گذشته بنا بر دلایل ساختاری و عوامل ناگهانی اجتماعی و خارجی فتر ارز سرکوب‌شده با سرعت بسیار زیادی خارج شد.

یادداشت

کشور را در تحریم خودخواسته قرار ندهیم



● یکی از شعارهای اصلی دکتر روحانی در سال‌های ۹۲ و ۹۶ شفافیت و مبارزه با فساد و جلوگیری از رانت بود.

از دید رئیس‌جمهوری، تنها راه مبارزه با فساد، شفافیت است و اینکه نهادهایی که از دولت بودجه می‌گیرند، باید به مردم بگویند که پول‌ها را چطور و در کجا هزینه می‌کنند. حق طبیعی مردم است که باخبر باشند هر نهادی چه اندازه بودجه می‌گیرد و آن را در چه مسیری هزینه می‌کند. واقعیت این است که اعتماد عمومی در شرایط عدم شفافیت در حوزه اقتصاد و در بودجه عمومی دستگاه‌های دولتی و حاکمیتی، خدشه‌دار می‌شود اما اقدام خوبی که باید متصفانه در مورد آن صحبت کرده و جنبه‌های مثبت آن را ارزیابی کرد، راه‌اندازی «سامانه دسترسی آزاد به اطلاعات» بود که دولت به منظور استفاده تمامی شهروندان برای دسترسی آزادانه به اطلاعات نهادهای دولتی ایجاد کرد.

دولت روحانی از زمان شروع فعالیت خود تلاش کرده در برخی حوزه‌ها از جمله بودجه، شفاف‌سازی کند؛ در همین راستا، اعداد و ارقام و بودجه‌ای که به برخی نهادها اختصاص پیدا می‌کند، منتشر شد و بازتاب این امر را در میان مردم نیز شاهد بودیم.

قانون دسترسی آزاد به اطلاعات، به منظور شفافیت در کار نهادهای حکومتی و امکان نظارت شهروندان و رسانه‌ها بر آنها، از سالیان دور در دست بررسی بود که با پیگیری دولت و شخص آقای روحانی، اصلاح و تصویب شد.

براساس این قانون، مقرر شده همه شرکت‌های دولتی عمومی و وابسته به نهادها اعم از شهرداری‌ها، نهادهای عمومی و حاکمیتی هرساله صورت‌های مالی خود را به صورت شفاف در اختیار بورس قرار دهند و آن را برای دسترسی عموم منتشر کنند.

اگرچه تاکنون براساس اعلام سازمان بورس، بخش کمی از شرکت‌ها و دستگاه‌های عمومی و وابسته به نهادها با توجه به قانون به وظیفه خود عمل کرده و اطلاعاتشان را به صورت شفاف ارائه کرده‌اند اما ارائه همین مقدار اندک را هم می‌توان قدمی رو به جلو و اقدامی مثبت ارزیابی کرد که در نهایت اجرای کامل و بدون قیدوشرط آن می‌تواند در ترمیم اعتماد عمومی نسبت به حاکمیت بسیار مثبت باشد.

دسترسی آزاد به اطلاعات در جوامع توسعه‌یافته و روبه‌رشد، به عنوان یکی از ابزارهای جامعه مدنی جهت جلوگیری از فساد و شفاف‌سازی فعالیت‌ها در کلیه سطوح، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در این میان یکی از راه‌های کاهش فساد در کشور، مبارزه با پول‌شویی و رسیدن به شفافیت، پیوستن به FATF است.

الحاق ایران به FATF از منظر بین‌المللی و همچنین به جهت انضباط پولی و مالی داخلی، به شدت برای کشور ما مهم است. از منظر عرف بین‌الملل، پیوستن به FATF از منظر عرف بین‌المللی و رعایت الزامات و کنوانسیون‌های مربوطه باعث می‌شود از نظر ارتباط با نظام مالی و بانکی بین‌الملل، دوباره به چرخه اقتصادی جهان بازگردیم.

در شرایط فعلی کشور، مخالفت با پیوستن ایران به FATF همراهی با دشمنان ایران است. آمریکا در تلاش است که محدودیت‌های حداکثری برای ایران ایجاد کند و هرگونه اقدامی که باعث شود نظام بین‌الملل و کشورهایی که مخالف تحریم‌های آمریکا علیه ایران هستند، مقابل ما قرار بگیرند، به منزله قراردادن کشورمان در تحریم خودخواسته است.

تصویب CFT و پذیرش لایحه پیوستن ایران به کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم، در شرایطی که آمریکا محدودیت‌های جدی را از نظر بانکی و همچنین تعاملات پولی و مالی برای ایران ایجاد کرده و در مقابل، کشورهای عضو اتحادیه اروپا به همراه چین و روسیه، به دنبال ایجاد یک سازوکار مشخص و مسیر جدید تبادل پولی و مالی هستند تا ارزهای ملی را جایگزین دلار آمریکا کنند، یک ضرورت انکارناپذیر به شمار می‌رود.

این واقعیت را نمی‌توان انکار کرد که متأسفانه به دلیل نبود استانداردهای مالی و حسابرسی‌های بین‌المللی در سیستم پولی و بانکی کشور ما، رقم‌های بزرگی جابه‌جا می‌شود بدون اینکه امکان رصدکردن آنها وجود داشته باشد و این موضوعی است که اخیراً وزیر امور خارجه نیز به آن اشاره کرد. در مواردی، این جابه‌جایی پول‌ها به منزله «پول‌شویی» است که تأثیرات مخربی بر اقتصاد کشور گذاشته و بنابراین رعایت این موضوع در تبدلات داخلی، افزایش شفافیت و کاهش اثرگذاری پول‌های کثیف در فرایندهای اقتصادی و اجتماعی را در پی خواهد داشت.

اسامی ۲۳ بانک بدهکار به منظور تشکیل زنجیره تهاتر بدهی منتشر شد

تسویه حساب‌های کاغذی

بانک/ مؤسسه اعتباری	مانده بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی (میلیارد تومان)
مسکن	۴۰۹۶۷
صادرات ایران	۸۵۸۱
آینده	۴۷۶۹
تجارت	۴۵۵۰
ملت	۳۷۹۳
سرمایه	۲۶۶۹
پارسیان	۱۸۷۷
رفاه کارگران	۱۸۳۷
ملی ایران	۱۷۷۶
توسعه صادرات	۹۷۷
گردشگری	۸۹۹
صنعت و معدن	۸۶۹
دی	۸۳۱
کشاورزی	۶۶۴
قوانین	۶۴۲
سپه	۵۰۰
انصار	۲۷۸
سامان	۲۶۹
مؤسسه اعتباری ملل	۲۵۸
اقتصاد نوین	۱۷۴
پاسارگاد	۱۳۲
توسعه تعاون	۱۰۰
کارآفرین	۵۷
خاورمیانه	۰
مؤسسه اعتباری کاسپین	۰
ایران زمین	۰
شهر	۰
مؤسسه اعتباری کوثر	۰
مؤسسه اعتباری توسعه	۰
مؤسسه اعتباری نور	۰
جمع کل	۷۷۴۶۷

خصوصی و تعاونی و نهادهای عمومی غیردولتی و نیز شرکت‌های دولتی تابعه وزارتخانه نیرو و جهاد کشاورزی بابت بارانه قیمت‌های تکلیفی از دولت که در چارچوب قوانین و مقررات مربوط تا پایان سال ۹۵ ایجاد شده است را با بدهی اشخاص یادشده به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی از طریق تسویه بدهی‌های بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی به بانک مرکزی که تا پایان سال ۹۵ ایجاد شده باشد تا مبلغ یک میلیون میلیارد ریال به‌صورت جمعی- خرجی از طریق انتشار اسناد تسویه خزانه تسویه کند. به عبارت دیگر در چرخه

زنجیره‌ای تسویه بدهی ایجادشده دولت اجازه پیدا کرد تا صد هزار میلیارد تومان از بدهی خود به بخش خصوصی و تعاونی را با بدهی این بخش به بانک‌ها از طریق تسویه بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی بپردازد تا ضمن کاهش بدهی‌های دولت، بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی نیز کاهش پیدا کند.

چه کسانی بیشتر بدهکارند

نگاهی به فهرست منتشرشده از بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی نشان می‌دهد مانده بدهی این بانک‌ها به بانک مرکزی رقمی در حدود ۷۷هزارو ۴۶۷ میلیارد تومان بوده است که بانک مسکن با